گزارش کوتاه

انتقاد نمایندگان از بیانیه شورای امنیت

گروه سیاسی: صدور اولین بیانیه شورای امنیت سازمان ملل متحد درخصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران واکنش نمایندگان مجلس را به دنبال داشت. شورای امنیت در جلسه روز چهارشنبه نهم فروردین ماه خود با صدور بیانیه‌ای غیرالزام‌آور از ایران خواست فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف کند. در این بیانیه به ایران ۳۰ روز مهلت داده شده به این بیانیه پایبندی نشان دهد و در عین حال از محمد البرادعی دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم خواسته است پس از یک ماه گزارشی را در این خصوص به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه کند. محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس در سخنرانی قبل از خطبه‌های نمازجمعه تهران با انتقاد از بیانیه شورای امنیت علیه ایران تاکید کرد: ما عضو ان‌پی‌تی هستیم و دانش هسته‌ای جزء حق مسلم ما است.

به گزارش فارس وی با بیان اینکه شورای امنیت متاسفانه به ایران اعلام کرده که باید از دستیابی به فناوری دست بردارد تصریح کرد: شورای امنیت برای ایجاد صلح و دوستی و مبارزه با ظلم و ستم تاسیس شده است. درحالی که دنیا از جرایم و ظلم و ستم پر شده است امروز شورای امنیت به این نتیجه می‌رسد که ایران را حتی از تحقیقات هسته‌ای صلح‌آمیز باز دارد، این درحالی است که طبق قانون بین‌المللی این حق به ما واگذار شده است. وی تاکید کرد: ما عضو ان‌پی‌تی هستیم و دانش هسته‌ای جزء حق مسلم ما است.

باهنر تصریح کرد: امروز آمریکا صدها هزار نیرو در عراق مستقر کرده است. این کشور که مدعی است هیچ حرکتی دور از چشمان این کشور نیست، امروز در عراق حضور دارد و مردم را به خاک و خون می‌کشد. وی افزود: شورای امنیت در مقابل این ظلم و ستم آمریکا در عراق و زندان ابوغریب ساکت است و مقوله و دغدغه اصلی این سازمان جلوگیری از تحقیقات هسته‌ای در ایران شده است.

باهنر با اشاره به اظهاراتی مبنی بر ارائه سوخت هسته‌ای به ایران و با اشاره به عدم پایبندی کشورها به تعهدات خود در قبال ایران تصریح کرد: امروز دولت مجلس و ملت بر حقوق خود پافشاری می‌کنند و همراه با مقام معظم رهبری بر حقوق خود اصرار داریم و هرگز از آن دست نمی‌کشیم. وی افزود: ملت از مسئولان می‌خواهند که نگهبان حقوق جمهوری اسلامی ایران باشند.

«حسین سبحانی‌نیا» عضو هیات‌رئیسه مجلس هفتم هم در واکنش به بیانیه شورای امنیت سازمان ملل متحد در قبال فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران گفت: در این چالش گرچه آمریکا با دیپلماسی آشکار خود تلاش گسترده‌ای داشت تا پرونده ایران را به این وضعیت برساند اما در دیپلماسی پنهان خود احساس می‌کند اگر پرونده ایران به‌جای حاد و تندی برسد بیش از آنچه برای آنها قابل تصور است متضرر خواهند شد.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هفتم به ایلنا تصریح کرد: بیانیه‌ای که صادر شده در مجموع ملایم‌تر از بیانیه محکم و اجرایی است که آمریکایی‌ها به دنبال آن بودند. وی افزود: آمریکایی‌ها نتوانستند بند مربوط به تهدید صلح جهانی را که دست شورای امنیت سازمان ملل متحد را برای اعمال فشار بر ایران باز می‌کرد در این بیانیه بگنجانند و این از نکات حسن این بیانیه است. عضو شورای مرکزی فراکسیون اصولگرایان خاطرنشان کرد: با توجه به بیانیه اخیر راه را برای مذاکره و حل دیپلماتیک مسئله بسته نمی‌بینم.

«محمدنبی رودکی» نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هفتم در واکنش به این بیانیه گفت: شورای امنیت سازمان ملل متحد با این قطعنامه غیرمنطقی بار دیگر ضعف خود را در حل مشکلات بین‌المللی ثابت کرد. نماینده شیراز تصریح کرد: متاسفانه آمریکایی‌ها به‌طور کلی شورای امنیت را هدایت کردند و توانستند پس از پنج جلسه متوالی در هفته‌های گذشته اختلاف‌نظر اعضای شورای امنیت را به وحدت نظر تبدیل کنند.

رئیس کمیته دفاعی مجلس هم با بیان اینکه شورای امنیت با صدور این بیانیه به دنبال تشدید عملیات روانی و ایجاد زمینه‌های بین‌المللی و فشارهای سیاسی به ایران است تاکید کرد: ایران در حفظ حقوق غنی‌سازی هسته‌ای صلح‌آمیز در داخل کشور مصمم است و این بیانیه نمی‌تواند ایران را از تکمیل تحقیقات هسته‌ای در داخل کشور باز دارد.

رضا طلایی‌نیک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به مهر گفت: به علت چالش‌ها و محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی و فقدان زمینه لازم در افکار عمومی جهان، قدرت‌های حاکم بر شورای امنیت امکان اعمال فشارهای شدید و فوری نسبت به ایران را ندارند و این شورا اقدامات و فشارهای خود را به‌صورت تدریجی و گام به گام نسبت به پرونده هسته‌ای ایران اعمال خواهد کرد.

نماینده بهار و کبودرآهنگ تصریح کرد: شورای امنیت با صدور بیانیه اخیر سیاست استفاده موازی از فشارهای این نهاد توام با افزایش دخالت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اتخاذ کرده است. طلایی‌نیک با ذکر این نکته که اقدامات اجرایی شورای امنیت به آینده موکول شده است، هدف اصلی از صدور بیانیه شورای امنیت در شرایط فعلی را تقویت موقعیت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در دخالت نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تشدید عملیات روانی و زمینه‌های بین‌المللی و فشارهای سیاسی به ایران دانست.

نگاهی به استراتژی‌های جنبش زنان در ایران برای تغییر قوانین

سیاه، سفید، خاکستری

شادی صدر

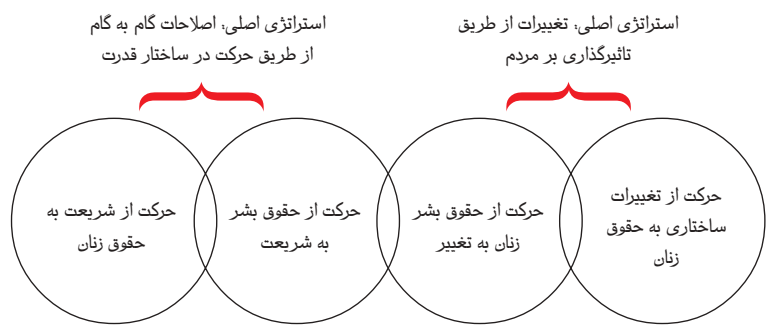

اگر در یک تعریف ساده شده، جنبش زنان را به معنای مجموعه فعالیت‌های فعالان امور زنان برای ایجاد تغییر حول مسئله تبعیض و نابرابری جنسیتی بدانیم، مدت‌ها است در بین همه فعالان جنبش زنان در ایران این توافق وجود دارد که قوانین باید اصلاح شوند. اما صرف‌نظر از این نقطه مشترک، تفاوت زیادی بین دیدگاه‌های گروه‌های مختلف بر سر اینکه چه قوانینی، چگونه و از چه راهی باید تغییر کنند وجود دارد. بنابراین پیش از مرور استراتژی‌های جنبش زنان برای تغییر قوانین، ناگزیریم نگاهی کوتاه از منظر تاریخی و شناختی نسبت به طیف‌های مختلف فکری در این جنبش داشته باشیم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷، به طور مشخص تنها دو دیدگاه در میان فعالان حوزه زنان (در آن موقع به لحاظ جامعه‌شناختی جنبش مستقل زنان خود را نشان نداده بود) وجود داشت: دیدگاه زنان طرفدار حکومت که انقلاب را راه‌حل تمامی مسائل از جمله مسائل زنان می‌دانستند و دیدگاه اپوزیسیون سیاسی جمهوری اسلامی که تغییر نظام را تنها راه‌حل همه مسائل ازجمله مسائل زنان می‌دانستند. با گذشت زمان نه تنها هر دو این دیدگاه‌ها تعدیل شد بلکه در میانه این دو دیدگاه، دیدگاه‌های دیگری ظهور کرد که تا این حد افراطی نبود. گسترش مسائل و مشکلات اجتماعی که ریشه در تبعیض‌های جنسیتی داشت و نیز تجربه شخصی زنان مسلمان در جامعه‌ای تحت حکومت اسلامی آنها را بر آن داشت که با نگاهی انتقادی‌تر (نسبت به نگاه تعبدی صرف که قبلاً داشتند) منابع فقهی را مرور کنند. از سوی دیگر، تجربه زنان فعال در سازمان‌های مردسالار اپوزیسیون و نیز تحصیل بسیاری از آنان در رشته‌های مطالعات زنان دانشگاه‌های غربی و تغییر دیدگاه ایدئولوژیک به دیدگاهی واقع‌گرایانه به دلیل ایجاد ارتباط میان آنها با زنان مذهبی آنها را به فعالان زن در ایران نزدیک کرد. تحولات تاریخی و اجتماعی ایران و پررنگ شدن اندیشه نو اندیشی دینی در میان متفکران چپ مذهبی طیف وسیعی از فعالان مسائل زنان را به این روش امیدوار کرد که بتوان با تفاسیری نوین و منطبق بر زمانه از فقه شیعه برخی قوانین را تغییر داد.

این طیف وسیع که از مقامات دولتی حوزه زنان شروع می‌شد و با عبور از زنان مسلمان انقلابی که در حوزه‌های غیردولتی فعالیت می‌کردند حتی به زنان سکولار هم می‌رسید، حداقل ۱۵ سال با این استراتژی فعالیت کرد. هر چند در همه این سال‌ها، طیف کوچکی از فمینیست‌های چپ هم وجود داشتند که با تاکید بر مبارزه با مردسالاری در حوزه فرهنگ، وارد مناقشه خطرناکی که در آن ناگزیر بودند نظر صریح خود را درباره شریعت اعلام کنند داخل نمی‌شدند. با روی کار آمدن دولت اصلاح طلب در ۱۳۷۸ و باز شدن فضای نسبی برای کار فعالان غیردولتی حوزه زنان و همچنین اعلام سیاست‌های دولت جدید برای افزایش مشارکت زنان، این امکان به وجود آمد که مسئله زنان رفته‌رفته تبدیل به یک مسئله اصلی در سطح ملی شود. تا زمانی که تلاش‌های فراوان نمایندگان اصلاح طلب مجلس به خصوص نمایندگان زن عضو فراکسیون زنان برای اصلاح قوانین براساس برداشت‌های نوین از شریعت به نتایج ناامیدکننده‌ای نرسیده بود، اکثریت گروه‌های زنان هنوز بر این استراتژی به عنوان اصلی‌ترین و ممکن‌ترین راه تغییر قوانین تاکید می‌کردند. هرچند نمایندگان زن مجلس توانستند اصلاحاتی کوچک در قوانین مربوط به ازدواج و حضانت ایجاد کنند، اما تلاش‌های آنها برای تغییر قوانین مربوط به تابعیت، اعزام دختران مجرد دانشجو به خارج از کشور، اعطای حق طلاق به زنان و از همه مهمتر پیوستن ایران به کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان با مخالفت ابراز شده، ناامیدی زیادی را از کارکرد استراتژی برداشت‌های نوین از شریعت میان فعالان زن ایجاد کرد. برخی از رادیکال‌ترین آنها با نزدیک شدن به چپ‌های سکولار به این باور رسیدند تا زمانی که اصلاحاتی در قانون اساسی به خصوص در مورد به رسمیت شناختن برابری زن و مرد و نیز چگونگی تصمیم‌گیری در مورد انطباق یا عدم انطباق مصوبات پیشرو در حوزه حقوق زنان انجام نشود، نمی‌توان انتظار تغییر قوانین به نفع زنان را داشت.

به این ترتیب در حال حاضر می‌توان چهار طیف را میان فعالان جنبش زنان در مورد تغییر قوانین بازشناخت که نسبت هر یک با دیگری از طرز برخورد آنها با فقه شیعه مشخص می‌شود. این چهار طیف در دو دسته کلی جای می‌گیرند: دسته اول شامل کسانی است که اعتقاد دارند اصلاح قوانین زنان باید در چارچوب شریعت انجام شود. این گروه به اصلاحات بسیار تدریجی و گام به گام اعتقاد دارند و مهم‌ترین استراتژی آنها حرکت در ساختار قدرت از طریق لابی با علما، حکومتگران و افراد و گروه‌های بانفوذ برای کسب نظرات مساعد آنها در اصلاحات مورد نظر و متقاعد ساختن آنها به لزوم اصلاح قوانین بوده است.

در این دسته می‌توان دو طیف تفکر را باز شناخت: گروهی مبدا حرکت خود را از شریعت آغاز می‌کنند و از آن به حقوق زن می‌رسند. این عده با وجود اینکه اعتقاد دارند فرهنگ مردسالار در بسیاری از موارد ارزش‌های خود را به نام اسلام عرضه می‌کند و اصلاحاتی در قوانین مربوط به زنان را لازم می‌دانند اما تنها اصلاحاتی را قبول دارند که مستقیماً از برداشت‌های رایج و اجماعی فقه شیعه بیرون آمده باشد و در صورت تعارض میان برداشت‌های مصطلح از فقه با اصلاحات مورد پیشنهاد، آنها جانب شریعت را می‌گیرند. آنان ضمن اینکه از لزوم مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان دفاع می‌کنند، حق طلاق برای زنان را مخالف با اصل قوامیت مرد می‌دانند. به همین دلیل برخی از نظریه‌پردازان مسائل زنان این گروه را اساساً جزیی از جنبش زنان نمی‌دانند.

طیف دوم را فعالانی تشکیل می‌دهند که از موازین حقوق بشر، اسناد بین‌المللی مورد توافق جامعه جهانی یا مقتضیات روز به سمت شریعت حرکت می‌کنند. به این معنا که آنها با در نظر داشتن موازین حقوق بشر زنان به دنبال استنادات فقهی برای تغییر قوانین می‌گردند. در این طرز تفکر، برداشت‌های کم طرفدار و حتی نادر از متون شرعی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، یکی از پرتلاش‌ترین مبارزات این گروه، تلاش برای برابری دیه زن و مرد براساس یک فتوای شرعی بوده است.

اما دسته دوم فعالان زن در ایران را کسانی تشکیل می‌دهند که اساساً خود را وارد چالش رابطه میان شریعت و حقوق بشر و تغییر قوانین در چارچوب شریعت نمی‌کنند. تاکید این گروه بر لزوم اصلاحات ساختاری و همه‌جانبه برای رفع تبعیض در قوانین است. مهم‌ترین استراتژی این گروه تاثیرگذاری بر مردم از راه آگاهی‌رسانی و حساس‌سازی افکار عمومی در مورد تبعیض حقوقی علیه زنان و آثار سوء اجتماعی آن است. در این دسته نیز به آسانی می‌توان دو طیف را بازشناخت. طیف اول که می‌توانیم طرفداران حقوق بشر زنان بنامیم، کسانی هستند که حقوق بشر را به عنوان زمینه و راهنمای تغییر قوانین در نظر گرفته‌اند. آنها اگرچه تلاشی برای متقاعد کردن حکومت‌گران به انطباق خواست‌هایشان با شریعت نمی‌کنند اما اگر قانونی هم با استناد به موازین فقهی تغییر کرد و رویکردی حقوق بشری داشت از آن استقبال می‌کنند. طرفداران حقوق بشر زنان در ایران بر این باورند که همه قوانین باید یک بار از زاویه دید زنان و تجارب شخصی‌شان مرور، نقد و بازنگری شوند و در این مسیر نه تنها قوانین که رویه‌های اجرایی و نگاه مجریان قانون نیز باید تغییر کند. آنها بر این نکته تاکید دارند که تجربه‌های زنان باید تبدیل به قانون شود بنابراین اصلاحات، نه از بالا و به وسیله چند نخبه و در پشت درهای بسته که باید از پایین، در یک روند دموکراتیک و بر مبنای تجربه زنانی که قربانی قوانین موجود هستند انجام شود. براین اساس، نشان دادن تجربه موردی زنان به جامعه و تاثیر قوانین موجود بر زندگی آنان، اصلی‌ترین استراتژی را تشکیل می‌دهد. در این روند جان چندین زن را که به خاطر قوانین و رویه‌های تبعیض‌آمیز حاکم بر دفاع مشروع و یا سایر مجازات‌های شدید محکوم شده بودند نجات داد. از نظر ما، کافی است این آگاهی و خواست در جامعه و البته میان حکومت‌گران به وجود آید که ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، ازجمله مسئله دختران فراری، فحشا، قتل‌های ناموسی، ازدواج‌های اجباری، خودسوزی زنان و... قوانین تبعیض‌آمیز است. حکومت که نخستین وظیفه‌اش اداره جامعه به طرز مطلوب است، خود راه‌هایی برای حل تعارضات احتمالی این قوانین با شریعت پیدا خواهد کرد، همان‌گونه که در مورد توقف سنگسار زنان یا افزایش سن ازدواج دختران پیدا کرد. طیف دوم که می‌توان از آنها به عنوان رادیکال‌ترین طیف جنبش زنان در حوزه تغییر قوانین نام برد، نه تنها اعتقادی به اصلاح قوانین در چارچوب شریعت ندارند بلکه تنها راه‌حل اصلاحات ساختاری در قوانین مربوط به زنان را انجام اصلاحات در ساختار حکومت می‌دانند.

همان‌گونه که مشخص شده، این طیف‌های فکری همواره با نزدیک‌ترین طیف به خود اشتراکاتی دارند که باعث نزدیک شدن استراتژی‌ها و عمل مشترک آنها در مقاطع مختلف تاریخی شده است.

با وجود همه شکست‌ها و ناکامیابی‌ها، تلاش‌های هر یک از این طیف‌های فکری دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای داشته است و هر یک از آنها با وجود تکثر و تفاوتشان در حال بازی نقش موثر خودش است که روی هم رفته نمایشی را می‌سازد که جنبش زنان در ایران نام دارد. با این همه ادامه وضعیتی که برخی از آن به بن‌بست تغییر قوانین تبعیض‌آمیز تعبیر می‌کنند و نیز سئوال‌های همچنان بی‌پاسخ موجود درباره رابطه میان حقوق بشر و شریعت که سیاست‌های دولت جدید که مبتنی بر برداشت‌های سخت‌گیرانه‌تری از شریعت است بر آن دامن می‌زند (نمونه بارز آن لایحه کاهش ساعات کار زنان است که براساس آن همه کارفرماها (دولتی و غیردولتی) موظفند ساعات کار زنان را ۸ ساعت در هفته کاهش دهند و به این ترتیب فرصت‌های شغلی هرچه بیشتر از زنان گرفته می‌شود)، باعث رادیکالیزه شدن طیف‌های فکری موجود در جنبش زنان در ایران خواهد شد. در واقع مسئله‌ای که جنبش زنان را در حوزه تغییرات قانونی تهدید می‌کند این است که با تداوم بن‌بست و مطالبات افزاینده بدون پاسخ، طیفی که به اصلاحات در چارچوب شریعت معتقد است به سمت محافظه‌کاری بغلتد و تنها برای بقا و «ماندن»، خواسته‌های حداقلی خود را نیز فروکاهد و از سوی دیگر طیفی که به تغییر قانون خارج از چارچوب‌های شرعی فکر می‌کند نیز با ناامیدی مطلق از هرگونه تغییر قانونی، تنها راه برآورده شدن مطالبات خود را تغییرات ساختاری در بالاترین سطوح ممکن ببیند. در صورت تحقق این سناریو جنبش زنان به وضعیت سیاه و سفید برخواهد گشت. در چنین شرایطی، بدون حضور نیروهای میانی که بتوانند مطالبات گروه‌های رادیکال را در ساختارهای قدرت پیش ببرند، روند تغییرات حقوقی یکسره متوقف خواهد شد یا بسیار کندتر از قبل پیش خواهد رفت. به نظر می‌رسد سئوالی که نه تنها فعالان جنبش زنان بلکه سایر فعالان درگیر در جنبش‌های دیگر (که وضعیتی مشابه، با تفاوت‌های اندک بر آنها هم حاکم است) باید به آن فکر کنند این است: چگونه می‌توان در حالی که قدرت تاثیرگذاری بر سیاست‌های دولتی بسیار اندک است از سیاه و سفید شدن فضای حاکم بر جنبش جلوگیری کرد؟

خلاصه مقاله

۱- در حال حاضر می‌توان چهار طیف را میان فعالان جنبش زنان در مورد تغییر قوانین بازشناخت که نسبت هر یک با دیگری از طرز برخورد آنها با فقه مشخص می‌شود.

۲- هرچند نمایندگان زن مجلس توانستند اصلاحاتی کوچک در قوانین مربوط به ازدواج و حضانت ایجاد کنند، اما تلاش‌های آنها برای تغییر قوانین مربوط به تابعیت، اعزام دختران مجرد دانشجو به خارج از کشور، اعطای حق طلاق به زنان و از همه مهمتر پیوستن ایران به کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان با مخالفت ابراز شده، ناامیدی زیادی را از کارکرد استراتژی برداشت‌های نوین از شریعت میان فعالان زن ایجاد کرد.

کوتاه نمی‌آییم

ایرنا: کاظم جلالی مخبر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: سیاست‌های ایران در برنامه هسته‌ای همواره براساس مقررات بین‌المللی و پرهیز از تقابل با قواعد بین‌المللی استوار بوده است. جلالی این مطلب را پنجشنبه‌شب در جمع گروهی از کارشناسان، محققین و اساتید دانشگاه‌های ترکیه در آنکارا عنوان کرد. در این نشست که با همکاری رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در آنکارا و «مجمع کنفرانس شرق ترکیه» برگزار شد کاظم جلالی با تشریح اهداف صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران و رد ادعاهای آمریکا در مورد تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای گفت: ایران از ابتدا تلاش کرده است که هرگونه فعالیت هسته‌ای خود را در چارچوب «ان‌پی‌تی» انجام داده و در چارچوب قواعد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با آژانس تعامل مثبت داشته باشد. جلالی اضافه کرد: رهبر معظم انقلاب اسلامی رفتن به سوی سلاح هسته‌ای را به دولتمردان ما حرام دانسته‌اند و ایران هرگز به دنبال دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای نبوده و در دکترین دفاعی ایران سلاح هسته‌ای جایی ندارد. وی افزود: درحالی که مشهور است در اسرائیل بیش از ۲۰۰ عدد کلاهک هسته‌ای وجود دارد و اسرائیل هیچ یک از قراردادهای بین‌المللی درخصوص خلع سلاح را نپذیرفته است، آمریکا حساسیتی در مورد رژیم صهیونیستی از خود نشان نمی‌دهد. وی گفت: جمهوری اسلامی ایران تصمیم جدی خود را اتخاذ کرده است که بر سر حق مسلم خود در دستیابی به انرژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز کوتاه نیاید.

خبرها

حدادعادل در پیام نوروزی: مجلس درصدد کنترل تورم است

ایسنا: مجلس در بررسی و تصویب لایحه بودجه دولت، تلاش داشت تا با تعدیل بعضی از بودجه‌های دولت، از افزایش تورم جلوگیری کند. غلامعلی حدادعادل رئیس مجلس شورای اسلامی در پیام نوروزی خود با بیان اینکه سال جاری فرصت خوبی است تا مروری به سالنامه ملت و مجلس‌مان در سال گذشته داشته باشیم، افزود: در سال ۸۴ مهمترین واقعه در عرصه سیاست و کشورمان انتخابات ریاست‌جمهوری بود که تاثیر شگرفی در جامعه ایران داشت. رئیس مجلس مهمترین مسئله در عرصه سیاست خارجی را مسئله هسته‌ای دانست و گفت: مجلس نیز اصرار داشت که سخن ملت را به زبان بیاورد به همین منظور به این تقاضای ملی جامه قانونمندی پوشاند و سخن ملت را به صورت یکی، دو قانون مصوب مجلس عرضه کرد. حدادعادل با بیان اینکه مجلس بیشترین وقت خود را برای لایحه بودجه اختصاص داد، گفت: مجلس در تصویب لایحه بودجه سعی داشت اتکای کشور را به درآمد نفت کم کند و این حکم قانون برنامه چهارم توسعه و چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور است، به همین منظور مجلس تلاش داشت تا با تعدیل بعضی از بودجه‌های دولت از افزایش تورم جلوگیری کند. حدادعادل با بیان اینکه مجلس نسبت به مصرف انرژی حساسیت بسیاری نشان داده و به کاهش مصرف بنزین و اصلاح حمل و نقل عنایت خاصی داشته است گفت: مجلس در بودجه و قوانین، بودجه‌های لازم را برای کاهش مصرف بنزین و انرژی پیش‌بینی کرده است که امیدواریم همان‌طور که مردم در ماه‌های پایانی سال نشان داده‌اند که در کاهش مصرف بنزین مخصوصاً در تهران با دولت همکاری می‌کنند در اجرای این قوانین که در این خصوص توسط دولت و مجلس به تصویب رسیده با دولت همکاری کنند.

تعویق آزادی گنجی

ایلنا: آزادی اکبر گنجی که قرار بود با پایان دوره محکومیتش دهم فروردین‌ماه از زندان آزاد شود، به علت غیبت پنج‌روزه در مرخصی نوروزی به تعویق افتاد. معاون امور زندان‌های دادستانی در این زمینه گفت: با موافقت دادستانی تهران گنجی روز ۲۷ اسفندماه سال ۸۴ به مرخصی هفت‌روزه اعزام شد که این مرخصی در روز پنجم فروردین‌ماه جاری به پایان می‌رسید و وی باید خود را به زندان معرفی می‌کرد که این کار را نکرد بنابراین مدتی که وی خود را به زندان معرفی نکرده است غیبت محسوب می‌شود که باید محاسبه شود. وی در پاسخ به این سئوال که آیا محکومیت نه ماه حبس تعلیقی اکبر گنجی در پرونده دیگر وی به اجرا گذاشته خواهد شد، گفت: این موضوع باید در دایره اجرای احکام بررسی شود.